

کیفرهای نوین جایگزین حبس "جزای نقدی روزانه"

امیرحسین نورانی زرنقی^۱

محمد سرتیپی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

چکیده

بایستی در نظر داشت که کیفرهای نوین جایگزین حبس چنانچه به صورت صحیح و در جهت اهداف و موازین قانونی وضعی به کار گرفته شوند، مسلماً جنبه های مثبت فراوانی خواهند داشت. امروزه برای کاهش جمعیت کیفری زندان ها از جزای نقدی روزانه به عنوان یکی از مجازات های جایگزین حبس مصرح در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در خصوص مرتکبین برخی از جرایم تعزیری استفاده می گردد، اما با توجه به اینکه در برخی از محاکم قضایی مشکلات و چالش هایی در راستای اعمال موارد یاد شده بوجود آمده است، بررسی مبانی و چالش های آن امری ضروری به نظر می رسد. به همین منظور این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، درصدد واکاوی و تحلیل چالش های پیش رو در استفاده از جزای نقدی روزانه به عنوان یکی از جایگزین های نوین حبس و ارائه راهکار برای برطرف نمودن چالش ها و موانع موصوف ممتطح نظر نگارندگان می باشد. در ارتباط با مجازات جزای نقدی روزانه چالش ها و ابهامات زیادی از قبیل فقدان شاخص و ساز و کار مشخص برای محاسبه و تعیین درآمد روزانه بزهکار، در نظر گرفتن درآمد خالص یا ناخالص وی، احتساب درآمد روزانه یا ماهانه محکوم علیه و... وجود دارد و برخی بر این باور هستند که با توجه به چالش های موجود، اجرای چنین مجازات هایی در جامعه زود هنگام است، اما بایستی مقنن از طریق قانونگذاری و مقامات ذی ربط قضایی از طریق تفسیر قوانین موجود و ایجاد رویه واحد قضایی، گرایش به صدور آراء مزین به جایگزین های نوین حبس به خصوص جزای نقدی روزانه را بیشتر و بالتبع جمعیت کیفری زندان ها را نیز کاهش دهند.

واژگان کلیدی

کیفرهای نوین جایگزین حبس، جمعیت کیفری زندان، جزای نقدی روزانه، رویه واحد قضایی.

۱. کارشناسی ارشد پیوسته، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):

(amirhassannourani@gmail.com)

۲. دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملی ارومیه، ارومیه، ایران.

(m.sartipi1370@gmail.com)

مقدمه

سیاست جنایی ایران در طول دوران تقنینی، قضایی و اجرایی خود مبتنی بر جرم‌انگاری افراطی و سزادهی محض بوده و به تبعیت از سایر نظام‌های کیفری در گذشته‌های دور مجازات‌های شدید بدنی به عنوان یگانه مکانیزم واکنش علیه جرم بوده است. با گذشت زمان مجازات حبس به تدریج به عنوان مجازات شایع و اصلی جایگزین مجازات‌های بدنی گردید که تا سالیان سال علی‌رغم وضعیت نامناسب و رقت‌بار، زندان جایگزینی مناسب و امیدوارکننده در نظام‌های کیفری قلمداد می‌شد. (آشوری، ۱۳۸۵) در گذر زمان به تاسی از سیاست‌های کلی و راهبردی نظام و الهام از آموزه‌های علمی همچون جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی در کشورمان فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به جایگزین‌های نوین حبس تعلق یافت. یکی از اهداف اصلی از اجرای مجازات‌های نوین جایگزین حبس، اصلاح مجرم و بازپروری ایشان می‌باشد و منظور از اصلاح، اصلاح درونی و رفتاری محکوم می‌باشد به گونه‌ای که یک تحول درونی در وی ایجاد شود. (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۳)

بالتبع گرایش قانونگذار به سمت یافته‌های نوین جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی حاکی از علاقه‌مندی مقنن به اعمال مجازات‌های نوین جایگزین حبس با نگرش بر فلسفه وجودی آن یعنی اصلاح و درمان مجرمین، فردی کردن مجازات‌ها، پیش‌گیری از تکرار جرم و حبس زدایی است. تا کنون نتایج حاصله از تحقیقات و بررسی آمار احکام صادرشده جایگزین حبس، بیانگر این مهم می‌باشد که موانع و تحدیدات عدیده تقنینی و خلاءها و ابهامات موجود در قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس سبب گردیده است که قضات رغبت کمی به اعمال جایگزین‌های نوین حبس نشان دهند.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز صدور حکم مجازات جزای نقدی روزانه به عنوان یکی از جایگزین‌های نوین حبس با استناد به ماده ۸۵ قانون مذکور از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم را در بر می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های برتری جزای نقدی روزانه نسبت به جزای نقدی سنتی در این است که در صورت کاهش ارزش ملی پول رایج کشور، مفهوم مجازات و اثر بازدارنده آن کاسته نمی‌شود. این ویژگی در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران که متأسفانه ارزش پول ملی آنها سیر نزولی پرشتابی را طی می‌کند بسیار مهم و حائز اهمیت است. در تأیید این سخن می‌توان به قوانینی اشاره کرد که جزای نقدی را به عنوان مجازات برگزیده اند و اکنون پس از گذشت مدت مدید و کاهش ارزش پول، جزای نقدی تعیینی در قوانین یاد شده مفهوم خود را به عنوان یک مجازات بازدارنده آنگونه که باید باشد، از دست داده است.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

در این مقاله، ابتدا مبانی و ویژگی‌های مجازات‌های نوین جایگزین حبس و الزامات آن ارائه و متعاقباً کلیه موانع و تحدیدات قضایی ناظر بر جزای نقدی روزانه مورد مذاقه قرار گرفته است و به ابهامات و اشکالات موجود در این

خصوص پرداخته شده و نهایتاً ضمن تجزیه و تحلیل مطالب پیش گفته، مبادرت به نتیجه گیری و بیان پیشنهادات و سازوکارهای مناسب اقدام می گردد.

مقاله حاضر دو هدف اصلی را دنبال می کند:

۱. عوامل استفاده از مجازات های نوین جایگزین حبس در نظام حقوقی ایران

۲. بررسی مبانی تحولاتی جزای نقدی روزانه در نظام قضایی ایران

البته اهداف فرعی دیگری نیز از قبیل معیار سنجی درآمد محکومان در اعمال نقدی جزای نقدی روزانه و بررسی ضمانت اجرای نپرداختن آن، در نگارش پیش رو در نظر گرفته شده است.

سوالات اصلی مطرح در این مقاله از قرار ذیل است:

۱. شرایط و الزامات ناظر بر استفاده از مجازات های نوین جایگزین حبس بطور کلی تا چه حدی موجبات تسهیل

و یا تحدید توسل به آن ها را فراهم می نماید؟

۲. اعمال جزای نقدی روزانه در حقوق ایران دارای چه چالش هایی می باشد؟

تحقیق حال حاضر به لحاظ هدفی که در دستور کار خویش قرار دارد جزء تحقیقات کاربردی مسأله محور می باشد و به لحاظ شیوه جمع آوری اطلاعات مورد نیاز خود به صورت کتابخانه ای و اسنادی است و به روشی تحلیلی-توصیفی پیش رفته است. با وجود اینکه جزای نقدی روزانه در بسیاری از کشورها از سالیان قبل پیش بینی شده بود، لیکن در حقوق ایران از سال ۱۳۹۲ برای اولین بار در نظام جزایی گنجانده شده است؛ بنابراین از حیث وجود سابقه تحقیقاتی صرفاً در برخی مقالات یا در سمینارها و میزگردها به این موضوع پرداخته شده است.

یافته های پژوهش

۱- مبانی مجازات های نوین جایگزین حبس

جرم شناسان و جامعه شناسان بر این باور هستند که بی تردید اقدام هایی باید در جهت الغای نظام زندان ها صورت گیرد ولی تا رسیدن به آن اهداف باید از روش های اصلاحی برای دگرگونی در اجزای نظام اجرایی زندان ها به ویژه استفاده از جایگزین های مجازات زندان و نظارت گسترده اجتماعی بر مجرمان بهره جست. همانطوری که مارک آنسل^۱، معروف به پایه گذار مکتب دفاع اجتماعی نوین در فرانسه ضمن اشاره به این مسأله مهم که سلب آزادی از محکومان رفته رفته، خاصیت تریبی خود را از دست داده است و زندان نه تنها ندامت مجرم را در بر ندارد، بلکه در عمل به یک مدرسه تکرار جرم تبدیل شده است. (اردبیلی، ۱۳۸۵) بر اساس این دیدگاه، در درجه اول، بایستی متناسب با شخصیت مجرم، تدابیری اتخاذ گردد که منجر به اصلاح، بازپروری و باز اجتماعی شدن بزهکار شود.

¹ Marc Ancel

نخستین بار آنریکو فری^۲، از بنیان گذاران مکتب تحقیقی، اصطلاح جانشین های کیفری را وارد حقوق کیفری نمود. به نظر وی این جانشین ها باید به ابزارهای اصلی دفاع اجتماعی تبدیل شوند، چرا که پاد زهر های عالی برای عوامل اجتماعی بزه محسوب می شوند. به اعتقاد فری جانشین های کیفری همان اقدامات پیشگیرانه دفاع اجتماعی می باشند که هم در سطح جامعه و هم در عرصه تشکیلات دادگستری قرار می گیرند. دیدگاه فری و همفکرانش (لمبروزو^۳ و رافائل گارفالو^۴) مبتنی بر فقدان مسئولیت اخلاقی بزهکار به طور کامل می باشد. (ولیدی، ۱۳۸۲) نمونه هایی از این جانشین ها از نظرگاه فری ایجاد کوچه های پهن در شهر ها، روشنایی در شب ها که به کاهش دزدی و سوء قصد کمک می کند یا ایجاد نهاد های بیمه و کمک های اجتماعی برای نیازمندان با هدف جلوگیری از تکدی و کلاهبرداری به منظور امرار معاش و... می باشد.

۲- ویژگی کیفر های نوین جایگزین حبس

یکی از ویژگی های مهم در اعمال مجازات ها، پیروی از اصول بنیادین حقوق جزا یعنی اصل قانونی بودن جرم و مجازات می باشد که جایگزین های نوین حبس نیز مستثنی از این مهم نمی باشند. (گلدوزیان، ۱۳۹۹) لیکن طبق ماده ۶۹ ق.ا.م. ۹۲ این ویژگی مهم مجازات ها در خصوص جایگزین های نوین حبس مرعی نگردیده است، چرا که مقنن در متن ماده مذکور اشعار می دارد: "مرتکبان جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آن ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند." البته از نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۶/۱۲۴۰ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ چنین مستفاد می گردد که به لحاظ اینکه اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ ق.ا.م. ۹۲ پذیرفته شده و در ماده ۱۸ همان قانون مقرر شده است که تعزیر و کیفیت و میزان آن می بایست به موجب قانون باشد، فلذا ماده ۶۹ یاد شده نمی تواند معارض با این موارد باشد. محل اجرای ماده اخیر الذکر، مواردی است که رفتاری به موجب قانون جرم شناخته شده و تعیین مجازات بر عهده مقام قضایی گذارده شده است. در حقیقت این ماده در راستای اصل قانونی بودن مجازات ها تصویب شده است چرا که جرم انگاری رفتاری بدون تعیین میزان مجازات با اصل قانونی بودن مجازات ها تعارض دارد و مقرر ماده ۶۹ در این راستا، نقص مذکور را رفع کرده و برای اینگونه جرایم، مجازات های جایگزین حبس را در نظر گرفته است.

شایان ذکر است که در عمل اجرای مقرر ماده مرقوم، با ابهاماتی روبرو است. چرا که مطابق ماده ۷۰ ق.ا.م. ۹۲ دادگاه می بایست ضمن تعیین مجازات نوین جایگزین حبس، مدت مجازات حبس را نیز تعیین کند و در مواردی که نوع و میزان تعزیر (حبس) در قوانین موضوعه تعیین نشده مشکل جدی وجود دارد و با اصل قانونی بودن مجازات ها تعارض دارد. شایسته است با تصویب قوانینی در جهت رفع این مهم، با احصاء نوع و میزان تعزیر جرایم این چنینی از سوی قانونگذار اقدامی در جهت حل چالش های پیش رو اقدام گردد.

² Enrico Ferri

³ Cesare Lombroso

⁴ Raffaele Garofalo

یکی دیگر از ویژگی های اساسی نهاد مجازات های نوین جایگزین حبس، وجود و احراز شرایط مندرج در ماده ۶۴ ق.م.ا. ۹۲ می باشد. مطابق ماده مذکور، اعمال مجازات های نوین جایگزین حبس منوط به دو شرط است: ۱. وجود شرایط تخفیف و ۲. اخذ رضایت شاکی. صرف نظر از اینکه این دو ویژگی خود از ایرادات اساسی و تحدیدی وسیع در جهت اعمال جایگزین های نوین حبس بوده است، ویژگی های اشاره شده، بیانگر این مهم است که سیاست تقنینی و قضایی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر حفظ حقوق بزه دیده و به نوعی مشارکت جامعه مدنی و اجرای عدالت ترمیمی در راستای اعمال جایگزین های نوین حبس می باشد که این نهاد نمادی بارز از سیاست جنایی مشارکتی قلمداد می گردد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲)

همانطور که مشاهده می شود یکی دیگر از محدودیت های ناظر بر اعمال جایگزین های نوین حبس وجود جهات تخفیف می باشد که به نظر می رسد علت کم رنگ بودن استفاده از این نهاد در آراء صادره دقیقاً از این محدودیت نیز ناشی می گردد. در حالی که این مجازات ها شاید جنبه ارفاقی داشته باشند اما خود به عنوان مجازات اصلی است و به هر حال زندگی فردی و اجتماعی محکوم را محدود و تحت نظارت و مراقبت های ویژه ای قرار می دهد که نمی توان آن را به عنوان یک تخفیف کامل لحاظ نمود. سلب اعمال همزمان مجازات های نوین جایگزین حبس با یک مورد تخفیف مجازات همچون محدودیت اعمال همزمان دو نوع تخفیف از ایرادات وارد بر نظام تقنینی می باشد که اصلاح آن و تشریح و تفسیر مواد مرتبط در این زمینه و رفع ابهام به وجود آمده قطعاً از این جهت موجبات تسهیل و استفاده از مجازات های نوین جایگزین حبس را صد چندان نموده و آراء صادره به نحو چشمگیری آراسته به این نهاد و نظام حمایتی می گردد. (غلامی، ۱۳۸۲)

البته هیأت عمومی دیوان عالی کشور در یک اقدامی قابل تأمل با حفظ اهداف عالی تدوین جایگزین های نوین حبس و متناسب با فلسفه وجودی آن که اصلاح و درمان بزهکاران و در عین حال حفظ حقوق بزه دیده با توجه به مصلحت جامعه و دستگاه قضایی ضمن مرتفع نمودن تحدیدات موانع پیش رو، مبادرت به صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ در مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ نمود. برآیند رأی یاد شده این بود که با توجه به اطلاق مواد ۶۵ تا ۶۹ ق.م.ا. ۹۲ چنین برداشت می شود که تعیین و اعمال مجازات های نوین جایگزین حبس مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ ق.م.ا. ۹۲ از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی باشد.

^۱ رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ - ۱۳۹۴، ۱۰، ۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

از مجموع مقررات مربوط به مجازات های جایگزین حبس، موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ قانون مذکور چنین مستفاد می گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی باشد. بر این اساس رأی شعبه سی و هفتم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.

این رأی دیوان عالی کشور قطعاً تأثیر بسزایی در افزایش آمار آراء دادگاه ها مبنی بر اعمال مجازات های اجتماعی نوین جانشین حبس خواهد گذاشت و از حیث مبانی استدلالی نیز بسیار متقن و صحیح می باشد، چرا که در جرائم غیر قابل گذشت، شایسته نیست اهداف عالیه تقنینی و قضایی را که متأثر از روح و فلسفه وجودی این نهاد می باشد را به اراده شاکی خصوصی واگذار نمود. البته جهت تضمین جریان خسارات وارده به بزه دیده مقتضی که بود قضات هیأت عمومی دیوان عالی کشور پس از مرتفع نمودن موانع مندرج در ماده ۶۴ ق.م.ا. ۹۲.۱ از قبیل گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف، متهم را به فراهم نمودن موجبات پرداخت خسارت و جبران ضرر و زیان وارده به شاکی خصوصی ملزم می نمودند تا در این فرآیند ضمن توجه به حقوق بزهکار، قربانی جرم نیز به حیطة فراموشی سپرده نشود. به نظر نگارندگان، تفسیر غایی و صحیح در این خصوص تفکیک موارد الزامی و اختیاری اعمال جایگزین های نوین حبس می باشد؛ بدین صورت که در موارد الزامی مقرر در مواد ۶۵، ۶۶ و ۶۸ ق.م.ا. ۹۲.۱ اعمال مجازات های نوین جایگزین حبس منوط به وجود شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مذکور نمی باشد ولی در موارد اختیاری، وجود و احراز حداقل یکی از شرایط مقرر در ماده اخیر الذکر و نه همه شرایط آن، ضروری است و در صورت فقدان همگی شرایط، این اختیار قانونی محدود می گردد.

۳- الزامات ناظر بر اعمال جایگزین های نوین کیفر حبس

۳-۱- اختیاری بودن

تخیری بودن اعمال مجازات های نوین جایگزین حبس در برخی موارد آمده از یک طرف مفید به نظر می رسد که دادگاه با توجه به آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت، سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و بطور کلی در راستای فردی کردن مجازات و اصلاح و درمان مجرم تشخیص می دهد که کدام یک از مجازات های نوین جایگزین حبس را اعمال نماید و ایراد عمده مترتب بر تخیری بودن اعمال جایگزین های نوین حبس، این است که دادگاه ها تمایل کمی به صدور حکم به مجازات های نوین جایگزین حبس موضوع ماده ۶۴ به بعد ق.م.ا. ۹۲.۱ داشته اند.

۳-۲- ممنوعیت

ممنوعیت اعمال مجازات های نوین جایگزین حبس در حالت تعدد ماده ۷۲ ق.م.ا. ۹۲.۱ و تکرار ماده ۶۶ ق.م.ا. ۹۲.۱ جرایم عمدی آمده است که نشان از حالت خطرناکی شخص مجرم می تواند داشته باشد. ممنوعیت دیگر برگرفته از ماده ۷۱ ق.م.ا. ۹۲.۱ در مورد جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی می باشد. سختگیری در باب اخیر می تواند ناشی از اهمیت تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر نظامی باشد که همیشه دولت ها در جهت نظامندی و تثبیت آن قدم بر می دارند.

۳-۳- تخفیف و تبدیل

یکی از ابزارهای مهم سیاست فردی کردن مجازات ها، اعمال کیفیات مخففه است. (دادبان، ۱۳۸۰) بموجب ماده ۸۰ ق.م.ا. ۹۲.۱ شرایط اصلی جهت تغییر مجازات نوین جایگزین حبس در قالب تخفیف و تقلیل، احراز اصلاح رفتار محکوم توسط مقام قضایی است. طبق رویه قضایی غالب کشور، اعمال مجازات نوین جایگزین حبس همزمان با تخفیف

مجازات در یک حکم وجود ندارد، چرا که مجازات های نوین جایگزین حبس یک نوع مجازات ارفاق آمیز به حال محکوم علیه تلقی می شوند و به زعم برخی قضات محاکم، نمی توان همزمان از دو ارفاق قانونی برای یک مجرم استفاده نمود.

۳-۴- الغاء

محکوم به مجازات های نوین جایگزین حبس با رفتارهای عمدی خویش و اخلال در اجرای حکم شایستگی خود را در برخورداری از این کیفر اجتماعی از دست می دهد و بالتبع مجازات اصلی حبس مرقوم در دادنامه در مورد این چنین افرادی جاری می گردد. موارد الغاء در مادتين ۸۱ "تخلف از مفاد حکم یا دستورات دادگاه بار دوم" و ۸۲ "ایجاد مانع عمدی در راستای متوقف نمودن اجرای مجازات نوین جایگزین حبس" ق.م.ا. ۹۲. آمده است.

۳-۳- تقیید مجازات های نوین جایگزین حبس به درجات ۶ الی ۸ حبس تعزیری

نهاد جایگزین های نوین حبس رویکردهایی همچون اصلاح و درمان، بازسازی اجتماعی مجرمین، ترمیم خسارات بزه دیده، فردی کردن مجازات ها و حبس زدائی و... را دنبال می نماید لیکن متأسفانه با محدود نمودن و تخصیص دادن این نظام نوین مجازاتی به درجات ۶ الی ۸ مجازات های حبس مصرح در ماده ۱۹ ق.م.ا. ۹۲. بطور گسترده عملکرد این نهاد حمایتی_اصلاحی را تضعیف می نماید. چنانچه در مواد ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ قانون پسین درخصوص جرائم عمدی، اعمال مجازات های نوین جایگزین حبس را به مواردی که مجازات قانونی آن ها، سه ماه تا یک سال می باشد، در نظر گرفته است؛ به عبارت دیگر در جرایم عمدی که مجازات قانونی آن ها بیشتر از یک سال حبس می باشد، امکان اعمال مجازات های جایگزین حبس وجود ندارد.

۴- جزای نقدی روزانه

یکی از نهاد های نوین جایگزین حبس، جزای نقدی روزانه است که برای اولین بار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در نظام تقنینی و قضایی ما به شکل قانونی رسمیت پیدا نمود. از حرکت های کاملاً جدید برای مؤثرتر و عادلانه تر کردن جرمه های نقدی، اجرای جرمه های نقدی روزانه می باشد. همانگونه که برخی صاحب نظران نوشته اند، این جرمه ها به این دلیل جرمه روزانه نامیده می شوند که میزان آن ها با درآمد روزانه مجرم ارتباط و پیوستگی ناگسستگی دارد. (آشوری، ۱۳۹۴)

۴-۱- اعمال جزای نقدی روزانه

جزای نقدی روزانه یکی از تدابیر جدید حقوقی است که در جهت هر چه بهتر اجرا شدن مجازات های نقدی وارد سیستم قانونگذاری کشور ها شده است. با توجه به مشکلات جزای نقدی سنتی از جمله حبس محکوم علیه در صورت عجز از پرداخت آن، اندیشمندان و صاحب نظران شیوه جدیدی از مجازات را برای عادلانه کردن اجرای این مجازات پیشنهاد نموده اند که از جمله آن کیفر نقدی روزانه است. جرمه روزانه با این تعریف نماد بارزی از رعایت

اصل فردی کردن مجازات است که ابتدا در کشور های شمال اروپا به وجود آمد. (آنسل، ترجمه نجفی ابرند آبادی، آشوری، ۱۳۷۵)

در کنار کیفر نقدی روزانه می توان به اندیشه نسبتاً مشابهی تحت عنوان قسط بندی جزای نقدی اشاره نمود که با شرایط خاصی در مادتين ۳ و ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ و قسمت اخیر ماده ۵۲۹ و مقررات مواد ۵۳۰ الی ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قید شده است. از مجموع این مواد چنین برداشت می شود که هرگاه محکوم علیه تقاضای تقسیط کند یا عبارتی ضمن اجرای حبس مدعی اعسار شود به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار و صدور حکم به تقسیط در دادگاه نخستین، از حبس آزاد می شود. به عبارتی اگر محکوم علیه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی و با اخذ تأمین مناسب می تواند حکم بر تقسیط محکوم به صادر را خواهان باشد. با توجه به مجموع این مواد اولاً: باید محکوم علیه درخواست تقسیط بنماید. ثانياً: این تقاضا می تواند ضمن اجرای حبس یا قبل از آن باشد. منظور از حبس در اینجا با توجه به ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک. همان بازداشت بدل از جزای نقدی است و ثالثاً محکوم علیه توانایی پرداخت را به نحو اقساط داشته باشد.

در خصوص جزای نقدی روزانه قاضی بایستی نوع و اهمیت جرم را در نظر بگیرد و اینکه در پرداخت جزای نقدی در یک محدوده حداقل و حداکثری که قانون تعیین کرده است، باید نسبت به تعیین مجازات اقدام نماید. (خالقی، ۱۳۹۷)

در ارتباط با نوع جرم و پرداخت جزای نقدی روزانه در حقوق ایران باید در نظر داشت که بر اساس ماده ۸۵ ناظر بر ماده ۸۳ ق.ا.م. ۹۲ در جرائمی که مجازات قانونی آن ها حداکثر سه ماه حبس است، یک چهارم تا یک هشتم درآمد روزانه تا یکصد و هشتاد روز، در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها از نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، یک چهارم تا یک هشتم درآمد روزانه از یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز و در جرائم ارتكابی عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است، یک چهارم تا یک هشتم درآمد روزانه از سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز و در آخر جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی آن ها بیش از یک سال است، یک چهارم تا یک هشتم درآمد روزانه از هفتصد و بیست تا هزار و چهار صد و چهل روز می باشد.

این موارد محدوده ای است که قانونگذار با توجه به نوع جرم در نظر گرفته داشته است اما قاضی علاوه بر در نظر گرفتن نوع جرم اختیارات دیگری هم دارد که این میزان را در همین محدوده تعیین بکند. اختیاراتی که قانونگذار بر اساس معیار های مقرر در ماده ۶۴ ق.ا.م. ۹۲ (معیار های کلی تعیین جایگزین های حبس) در نظر گرفته است تا قاضی علاوه بر نوع جرم ارتكابی و میزان حبس بین حداقل و حداکثر موارد یاد شده مانور بدهد.

توضیح بیشتر آنکه برای تعیین جزای نقدی روزانه، بایستی دو معیار که یکی جرم ارتكابی و درآمد محکوم علیه (ماده ۸۵ ق.ا.م. ۹۲) و دیگری معیار هایی که در ماه ۶۴ قانون مذکور آمده است از قبیل سن محکوم علیه، مهارت، شخصیت،

سابقه وی، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال حتی گذشت شاکی و... را در نظر گرفته شود. این معیارها بر اساس اصل فردی کردن کیفرها که حتی به اصل فردی کردن قضایی هم مشهور می باشد. برآیند اختیاراتی است که در دست قاضی قرار می گیرد تا بین حداقل و حداکثر کیفر نوین جایگزین حبس، مجازات را تعیین بکند. محکوم علیه موظف است در پایان هر ماه، ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت کند.

۲-۴- چالش های اعمال جزای نقدی روزانه

جزای نقدی روزانه بعنوان یکی از جایگزین های نوین حبس برای اولین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وارد نظام حقوقی قضائی ایران شده است؛ به همین دلیل تا آشنایی کامل قضات با این سیستم زمان می برد. از این جهت منطقی است که چالش هایی در خصوص جزای نقدی روزانه به عنوان یکی از جایگزین های نوین حبس و نحوه و شرایط اعمال آن و سایر موضوعات مرتبط وجود داشته باشد.

۱-۲-۴- توافقی یا غیر توافقی بودن جزای نقدی روزانه

پس از تعیین میزان جزای نقدی روزانه قاضی دادگاه می بایست این موضوع را به متهم تفهیم بکند. در واقع در جایگزین های نوین کیفر حبس عنصر توافقی بودن نهفته است که در سایر مجازات ها وجود ندارد. در تبصره ماده ۸۵ ق.ا.م. ۹۲ آمده است. ضمانت اجرای تخلف از اجرای حکم یا دستورات دادگاه در ماده ۸۱ ق.ا.م. ۹۲ پیش بینی شده است. با این توضیح بیشتر که چنانچه محکوم علیه از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رای دادگاه نخستین برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات جایگزین نوین حبس مورد حکم افزوده می شود و در صورت تکرار، مجازات اصلی حبس اجرا می گردد. عدم تفهیم مفاد حکم و ضمانت اجرای تخلف از آن به متهم و متعاقب آن تعیین ضمانت اجرا برای تخلف محکوم علیه، بر خلاف اصول و قواعد حقوقی بالاخص قاعده قبح عقاب بلا بیان بوده و در این راستا است که قانونگذار، تفهیم این مورد را بر قاضی دادگاه و قاضی اجرا کننده حکم تکلیف نموده است. (مدنی، ۱۳۸۸) از طرفی عنصر توافقی بودن در جایگزین های نوین حبس من جمله جزای نقدی روزانه هم در حین رسیدگی و هم در طول اجرا مطرح است.

بر اساس تبصره ماده ۸۱ ق.ا.م. ۹۲ دادگاه حین صدور حکم و تعیین جزای نقدی روزانه به عنوان جایگزین نوین حبس، ضمن قید آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم در متن دادنامه، بایستی به متهم نیز مراتب عدم پابندی را تفهیم نماید. همچنین پس از قطعیت دادنامه و ارسال آن به معاونت اجرای احکام کیفری، قاضی اجرای احکام، محکوم علیه را جهت اجرای حکم احضار و با رعایت مفاد حکم دادگاه، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص کرده و به وی تفهیم می نماید. مطابق ماده ۸۲ ق.ا.م. ۹۲ که مربوط به زمان اجرای مجازات نوین جایگزین حبس می باشد، چنانچه در حین اجرای حکم تمام یا بخشی از اجرای مجازات جایگزین با مانعی مواجه گردد و مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد شده باشد، مجازات اصلی اجراء خواهد شد. مثلاً کارگری که درآمد روزانه دارد، تصادف کرده و در بیمارستان بستری شود. مسلماً درآمد وی قطع خواهد شد و توان پرداخت جزای نقدی

روزانه را نخواهد داشت. مبرهن است که اراده محکوم علیه در این وضعیت مؤثر نبوده است و در این حالت، اجرای بلافاصله مجازات اصلی در خصوص وی، برخلاف عدالت و انصاف می باشد؛ اما اگر محکوم علیه با رفتار عمدی خود، جزای نقدی روزانه را پرداخت نکند و مخالفت خویش را اعلان نماید، در این حالت مجازات اصلی حبس اجرا می شود. اینجا است که گفته می شود تعیین مجازات جزای نقدی روزانه به عنوان یکی از جایگزین های نوین حبس، توافقی و با موافقت محکوم علیه می باشد. چرا که قسمت اخیر ماده ۸۲ این امکان را به محکوم علیه می دهد تا بر پایه ی عنصر توافقی بودن، مخالفت خویش را با مجازات نوین جایگزین کیفر حبس آشکار سازد و مجازات اصلی حبس را متحمل شود.

بعبارت اخری پرداخت نکردن جزای نقدی روزانه یا بنا به یک عذر موجه است یا بدون عذر موجه و در صورت موجه بودن این امر، قاضی می تواند به محکوم علیه مهلت مناسب برای پرداخت بدهد یا مجازات اجتماعی دیگری را برای وی تعیین کند و در صورتی که بدون عذر موجه از پرداخت جزای نقدی روزانه خودداری نماید، گویا به معنای اعلام روحیه قانون گریزی و جامعه ستیزی است که فرد را سزاوار مجازات شدیدتری مانند زندان می کند. (مصدق، ۱۳۹۴) در این خصوص نظر نگارندگان بر این می باشد که احراز نوع مانع به وجود آمده برعهده قاضی اجرای احکام کیفری می باشد، نه قاضی صادر کننده حکم در دادگاه. بدوی زیرا موضوع در بحث اجرای حکم می باشد.

۲-۲-۴- فقدان شاخص و معیاری برای محاسبه و تعیین درآمد روزانه بزهکار

از چالش های مهمی که در بحث اعمال جزای نقدی روزانه مطرح است، نبودن شاخص و ساز و کاری برای تعیین درآمد روزانه بزهکار می باشد. چراکه افراد وضعیت های مختلفی دارند. (زراعت، ۱۳۹۲) به عنوان نمونه برخی از اشخاص کارمند دولت می باشند و بعضی ها شغل آزاد دارند و برخی نیز حتی بیکار هستند. از طرفی بعضی از افراد کار فصلی دارند؛ به عبارت دیگر یک روزی کار و عایدی دارند اما یک روز دیگر هیچ درآمدی ندارند. همانطور که مشخص است شرایط همگی مصادیق یاد شده با هم فرق می کند و با توجه به مطالب پیش گفته معیار و شاخص تعیین درآمد روزانه متهم چگونه بایستی محاسبه گردد!

قانونگذار هیچ گونه اشاره ای در این زمینه نکرده و ساکت است و این سکوت قانونگذار به نحوی است که باعث ایجاد رویه های مختلف در محاکم شده است. از رویه های ایجاد شده در محاکم قضایی می توان به صدور دستور تحقیق از وضعیت درآمدی متهم به مراجع انتظامی و استناد به نتایج حاصله از تحقیقات مذکور، استعلام از اداره متبوع در مواردی که بزهکار کارمند دولت یا بخش خصوصی می باشد یا ارجاع به کاشناسی جهت بررسی و محاسبه میزان درآمد متهم یا واگذاری محاسبه و تعیین درآمد روزانه محکوم علیه به واحد اجرای احکام کیفری با توجه به شرایط محکوم علیه در برهه های زمانی مختلف اشاره کرد. مبرهن است که این موارد یک خلائی می باشد که قانونگذار مشخص نکرده است که چگونه درآمد روزانه مجرم را می بایست تعیین نمود.

۳-۲-۴- درآمد خالص روزانه بزهکار یا درآمد ناخالص روزانه

در بحث تعیین مجازات جزای نقدی روزانه، سؤال دیگری که چالش برانگیز است اینکه منظور از درآمد روزانه مجرم، درآمد خالص روزانه وی می باشد یا درآمد ناخالص! بطور مثال: وقتی شخصی بطور ماهیانه حقوقی دریافت می کند، حقوق واریزی پس از کسر مالیات، حق بیمه، سهم صندوق بازنشستگی و وام های احتمالی پرداخت می گردد. در واقع حقوق ناخالص شخص بیشتر از حقوقی است که به وی پرداخت می شود. حال آیا با در نظر گرفتن کسوراتی که از حقوق فرد کم می شوند، این چنین درآمد شخص مورد نظر را باید در نظر گرفت یا درآمد ناخالص وی مورد توجه مقنن بوده است. قانونگذار باز هیچ مطلبی در این زمینه بیان نکرده است. هنر قاضی در این است که متناسب سازی بکند و هزینه ها و مشکلات و وضعیت کلی بزهکار و خانواده وی را در نظر بگیرد. با توجه به اطلاق اصل فردی کردن مجازات ها نیز به نظر می رسد درآمد خالص مدنظر قانونگذار می باشد و این نظر همسو با این اصل انصاف و سایر قواعد حقوقی است.

۴-۲-۴- محاسبه درآمد روزانه یا درآمد ماهانه محکوم علیه

بر اساس تبصره ماده ۸۵ ق.ا.م. ۹۲ محکوم علیه موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز، جزای نقدی روزانه را پرداخت کند. (الهام، برهانی، ۱۳۹۷) حال سوال اینجا است که اگر مجازات تعیینی پرداخت جزای نقدی روزانه است، چرا در پایان هر ماه می بایست جزای نقدی روزانه توسط محکوم علیه پرداخت گردد. مقنن در متن قانون سخن از درآمد روزانه کرده است ولی مطابق این مقرر، نحوه پرداخت آن را در پایان ماه قرار داده است. پس بهتر نبود جزای نقدی ماهانه نامگذاری می شد!

۵-۲-۴- درآمد کدامین زمان

بحث دیگری که پیش می آید این است که درآمدی که مدنظر قانونگذار بوده است ملاک درآمد زمان صدور حکم می باشد یا درآمد زمان اجرا و یا حتی در طول اجرا حکم! عدم تعیین تکلیف قضات را با چالش مواجه کرده است. این موارد از ایرادات قانونگذاری است و می بایست یا از طریق قوه مقننه یا صدور آرا وحدت رویه از قبل هیئت عمومی دیوان عالی کشور ابهامات یاد شده برطرف گشته و رویه های مختلف محاکم، تبدیل به رویه ای واحد شود. حتی رویه قضایی مکمل قانون است و در حال حاضر بایستی این مسائل را حل و فصل کند.

به هر حال اگرچه پیش بینی جزای نقدی روزانه و ملاحظه وضعیت اقتصادی محکوم علیه، گام بلندی در راستای فردی کردن مجازات ها محسوب می شود لیکن ابهامات متعددی در عملکرد مقنن، مشاهده می شود که به اجمال به برخی از این ابهامات و چالش های پیش رو در حین صدور حکم به مجازات جزای نقدی روزانه و در حین اجرای این مجازات به عنوان یکی از مجازات های نوین جایگزین حبس فوقا اشاره شد.

نتیجه گیری

نتایج تحقیقات بیانگر این امر می باشد که بسترهای فرهنگی و اجتماعی و قضایی در خصوص اعمال جایگزین های نوین حبس در کشورمان بطور کامل فراهم نمی باشد تا حدی که حتی قشر تحصیل کرده و حقوقدانان نیز اعتقاد به کیفرگرایی دارند و تنها راه مبارزه با بزهکاری را در اعمال مجازات خصوصاً نوع رایج آن یعنی حبس می دانند و هنوز به آن باور و یقین نرسیده اند که از تازه های جرم شناسی در قلمرو حاکمیتی خود استفاده نمایند.

پژوهش حاضر و نتایج حاصله از آن، جملگی بیانگر ضرورت اصلاحات و تغییرات اساسی در خصوص مجازات های جایگزین حبس می باشد، متعاقباً نیز متناسب با آن اصلاحات، لازم است نظام قضایی نیز متحول و به سمت یافته های نوین جرم شناسی و جامعه شناسی کیفری و اقدامات تأمینی-تربیتی و اصلاحی-درمانی حرکت نماید.

در ارتباط با مجازات های نوین جایگزین حبس که یکی از آنها جزای نقدی روزانه می باشد، چالش ها و ابهاماتی وجود دارد و برخی بر این باور هستند که اجرای چنین مجازات هایی برای جامعه ما زود هنگام است و فی الحال کارایی نخواهند داشت اما باید در نظر داشت که جزای نقدی روزانه جایگاه خود را پیدا خواهد کرد چرا که یقیناً موجب کاهش جمعیت کیفری زندان ها می گردد. جهت نیل به این اهداف عالی و مرتفع نمودن موانع پیشنهادات و سازوکار هایی در ذیل ارائه می گردد:

۱. به نظر نگارندگان، چنانچه اجبار تقنینی مشابه مقرر مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۱۸ ق.م.ا که صدور حکم به بیش از حداقل حبس مقرر در قانون را مستلزم ذکر علت آن نموده و برای آن ضمانت اجرا تعیین کرده است، مبنی بر اینکه عدم اعمال جایگزین های نوین حبس، مستلزم ذکر دلیل و منطبق قضایی برای لزوم صدور حکم به مجازات حبس در خصوص بزهکار می باشد و اصل بر اعمال مجازات های جایگزین نوین حبس در خصوص بزهکاران است. قطعاً دامنه اعمال جایگزین ها و نهایتاً حبس زدایی بطور گسترده تری افزایش خواهد یافت.
۲. به نظر نگارندگان، چنانچه جنبه تخیری اعمال جایگزین های حبس را الزامی نمایم حداقل تا درجه ۶ که مدنظر قانونگذار در جرائم عمدی بوده افراد تحت شمول آن به میزان مطلوبی افزایش پیدا می کند که این امر به فلسفه وجودی جایگزین ها نیز نزدیک تر است.
۳. فی الحال تا اصلاح قوانین مرتبط لازم است تا یک منبع در جهت وحدت رویه و رفع نسبی اختلاف نظر قضات در باب موضوع طرح گردد.
۴. با توجه به سوء استفاده های احتمالی در خصوص تعیین میزان جزای نقدی روزانه، ضرورت دارد که تدابیری اندیشیده شود تا در زمینه جزای نقدی روزانه کمتر در محاکم دادگستری سوء استفاده بوجود آید. از آنجا که مرحله اجرای حکم یکی از حساس ترین مراحل دادرسی می باشد، پیشنهاد می شود از قضات با تجربه استفاده گردد تا در ارتباط با مجازات های نوین جایگزین حبس تصمیمات درستی اتخاذ گردد.

منابع و مأخذ

۱. آشوری، محمد. (۱۳۸۵). جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ نخست.
۲. آشوری، محمد. (۱۳۹۴). عدالت کیفری جلد دوم، چاپ دوم، نشر دادگستر.
۳. آنسل، مارک، مکتب دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی و محمد آشوری. (۱۳۷۵). چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۵). حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، میزان، تهران.
۵. الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن. (۱۳۹۷). درآمدی بر حقوق جزای عمومی: واکنش در برابر جرم (جلد دوم)، چاپ چهارم.
۶. حاجی تبار فیروزجائی، حسن. (۱۳۹۳). مجازات های جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، انتشارات فردوسی.
۷. خالقی، علی. (۱۳۹۷). نکته ها در قانون آئین دادرسی کیفری، چاپ نهم، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوق شهر دانش، تهران.
۸. دادبان، حسن، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، نیم سال دوم ۸۰-۱۳۷۹، دانشگاه تهران.
۹. زراعت، عباس. (۱۳۹۲). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، چاپ اول، ققنوس، تهران.
۱۰. غلامی، حسین. (۱۳۸۳). عدالت ترمیمی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۱۱. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۹). حقوق جزای عمومی ایران، چاپ هفدهم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. لازرژ، کریستین، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی. (۱۳۸۲). چاپ اول، میزان، تهران.
۱۳. مدنی، سیدجلال الدین. (۱۳۸۷). آئین دادرسی ۱ و ۲، چاپ پنجم، پایدار، تهران.
۱۴. مصدق، محمد. (۱۳۹۴). شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکردی کاربردی، چاپ هشتم، جنگل، تهران.
۱۵. ولیدی، محمد صالح. (۱۳۸۲). بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران.

New punishments instead of imprisonment “Daily fine”

Amirhassan Nourani Zarnaghi¹

Mohammad Sartibi²

Abstract

It should be kept in mind that new punishments will replace imprisonment if they are used correctly and according to the legal goals and standards of the situation, they will definitely have positive aspects. Today, in order to reduce the criminal population of prisons, daily fines are used as one of the alternative punishments of imprisonment in the Islamic Penal Code approved in 2013, regarding the perpetrators of some punishable crimes, but considering that in some judicial courts, problems And some challenges have arisen in the implementation of the mentioned cases, it seems necessary to examine its foundations and challenges. For this purpose, this article, using the analytical-descriptive method, tries to examine and analyze the upcoming challenges in using daily cash punishment as one of the new alternatives to imprisonment and to provide a solution to overcome the challenges and obstacles mentioned in the opinion of the authors. There are many challenges and ambiguities related to daily fine punishment, such as the lack of specific indicators and mechanisms to calculate and determine the daily income of the offender, taking into account his net or gross income, taking into account the daily or monthly income of the convicted person, etc. and some believe that due to the existing challenges, it is premature to implement such punishments in the society, but the legislature should, through the legislation and the relevant judicial authorities, through the interpretation of the existing laws and the creation of a single judicial procedure, tend to issue decorative opinions. To new alternatives to imprisonment, especially daily fines, and consequently to reduce the criminal population of prisons.

Keywords

New punishments instead of imprisonment, Prison population, Daily fine, Judicial unit procedure.

1. Continuous Master's Degree, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran corresponding author: (amirhassannourani@gmail.com)

2. PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Literature and Human Sciences, National University of Urmia (m.sartipi1370@gmail.com)